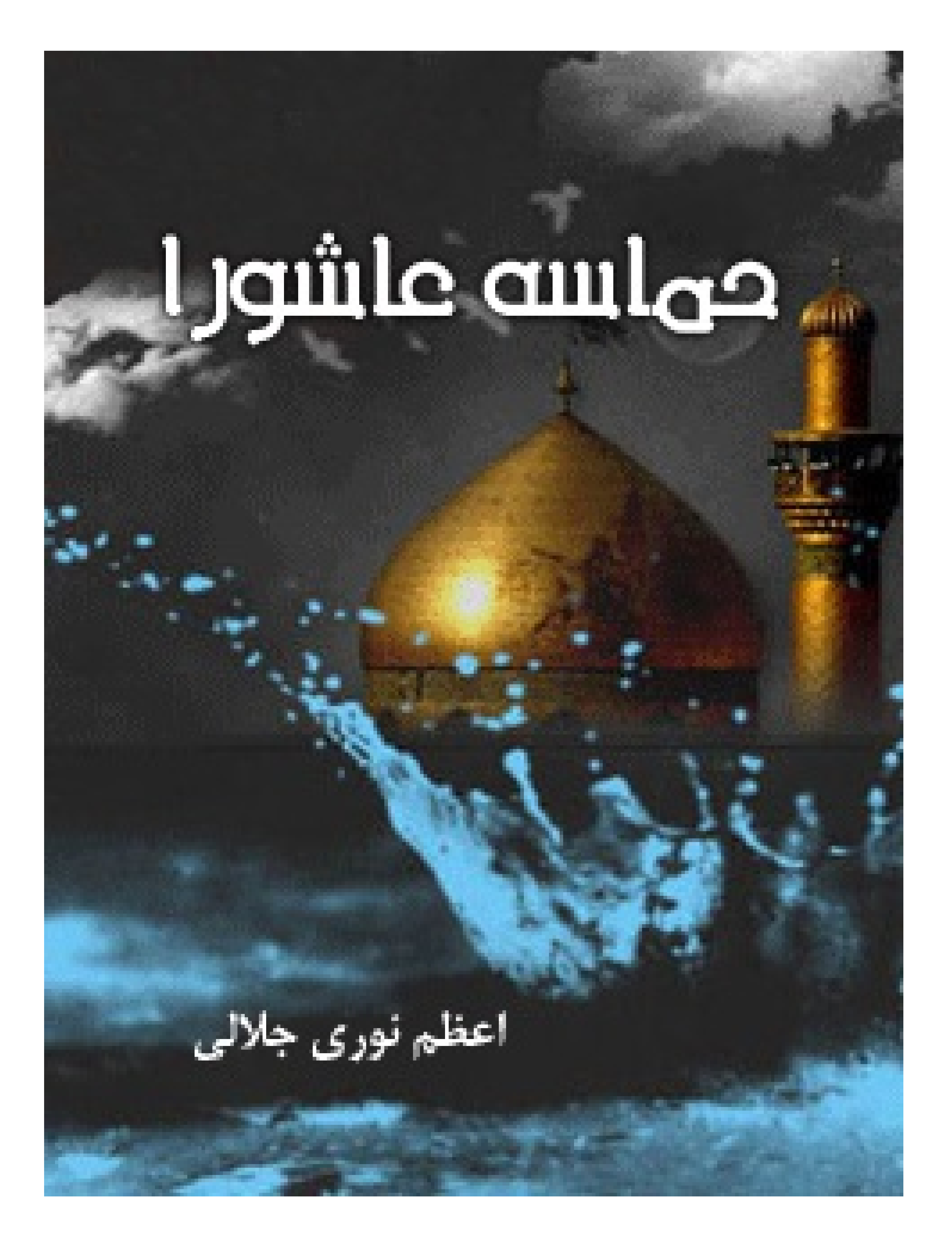

حماسه عاشورا
اعظم نوری جلالی


بسم الله الرحمن الرحیم

حماسه عاشورا

نویسنده:

اعظم نوری اجلالی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حماسه عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان : حماسه عاشورا

پدیدآورندگان : اعظم نوری اجلالی(پدیدآور)

ناشر : اعظم نوری اجلالی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : قیام عاشورا

امام حسین (ع)

مقدمه

در حدیثی از حجه ابن الحسن (عج) آمده است: (بسم الله الرحمن الرحیم،کهیعص) کاف: کربلا، ها: هلاکت، یا: یزید، عین: عطش، صاد: صبر.دیدگانت پر اشک، لبانت خشکیده، سینه ات گداخته، قلبت شعله ور، روحت پر تلاطم، لیکن مهار نفست بر مشت. سرود ایمان بر لب، نوای توحید در کام، یاد خدا در دل،دستار پیامبر (ص) بر سر، کهنه پیرهن امانت مادر در بر، بزم اشک واره در پیش. ای حسین (ع)، ای راز دار منزل وحی، غم سرای خیمه هایت، سوزش قلب زنانت، گریه نوباوگانت، آه و سوز خواهرانت، عالمی را اشک ریزان می کند.شعاع جمال کبریایی اش را و جلوه جمیل الهی اش را کدامین بیان و قلم تواند ترسیم نماید؟ آن چنان که تا کنون علمای بزرگوار شیعه و دانشمندانی از اهل سنت و حتی نویسندگانی از سایر ملل و ادیان درباره فضایل و مناقب و قیام مولی الکونین سیدالشهدا حضرت امام حسین (ع) سخن ها گفته و کتاب ها و مقاله ها به رشته تحریر در آورنده اند، هر چند که اغلب دارای نکته های قابل توجه و ارزنده می باشند، اما همه بیانگر ابعاد بسیار کوچکی از عظمت و مقام والای آن حضرت است. از آن جا که بر هر فرد لازم است عطش عشق خویش را به حضرت ابراز نماید، نوشته حاضر نیز، قطره ای است از اقیانوس بی کران مقام با کرامت ایشان.این کوچک ترین خادم، مقاله را به روح بزرگش هدیه می کنم و امیداورم که آن امام کریم این هدیه ناچیز را بپذیرد.

شهادت امام حسین در کلام معصوم

رسول مکرم اسـلام (ص): «ان لقتل الحسـین حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً؛به راستی که با شـهادت حسین (ع) آن چنان شور و حرارتی در دل مؤمنین ایجاد کرد که

هیچ گاه به سردی نخواهد گرایید».سید الشهدا (ع): «... انا قتیل العبره، لا یذکرنی مؤمن الّا استعبر؛ منم کشته گریه،هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند، مگر آن که سرشک غم از دیدگانش جاری می شود».امام باقر (ع): «ما بکت السماء علی احد بعد یحیی بن زکریا الّا علی الحسین بن علی، فانّها بکت علیه اربعین یوماً؛ بعد از یحیی بن زکریا آسمان در مرگ کسی نگریست،مگر در شهادت حسین بن علی (ع) که چهل روز در این مصیبت گریان بود».امام رضا (ع): «.. ان یوم الحسین اقرح جفوننا و اسبل دموعنا واذل عزیزنا بارض کرب و بلا واورثتنا الکرب و البلا الی یوم الانقضاء...»؛ همانا روز [مصیبت] حسین (ع) چشمان ما را خسته و مجروح کرده و اشک های ما را ریزان نموده و عزیزان ما در آن سرزمین غم بار گرفتار خواری (ظاهری) شدند، مصایب آن روز به گونه ای است که برای همیشه ما را غمگین و داغدار کرده است».امام مهدی (عج): «فلئن اخّرتنی الدهور، وعاقنی عن نصرک المقدور و لم اکن لمن حاربک محارباً ولمن نصب لک العداوه مناصباً، فلاندبنک صباحاً و مساءً، و لابکین ّلک بدل الدموع دماً..؛ اگر زمانه به تأخیرم انداخت و مقدرات از یاری ات بازم داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم، ولی از بام تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می بارم و به جای اشک خون می گریم».

شجاعت امام حسین

مقصود از شجاعت، برتری روحی و عظمت و والایی نفس و پایداری در شداید و تسلیم نشدن در مقابل زور و ستم و بی باکی است.الف) آن حضرت از آغاز انقلاب تا عصر عاشورا، با آن همه ناملایمات، سختی ها و مصایب

در مقابل سیل دشمن هیچ گونه سخن یا حرکتی که نشانگر خواری و ذلت باشد،از خود نشان نداد، بلکه محور کلام و مرام او عزت، حریت و کرامت بود.ب) او با کمال شجاعت بر بالین یاران می نشست. به تنهایی از میان انبوه دشمن، جسد فرزند برادر را به سینه چسباند و به خیمه برد. و با اطمینان خاطر در مقابل دشمن دعا خواند. و با آرامش به فرزند بیمار خود دعا آموخت.ج) امام تنها بود. در حالی که سر و بدنش مجروح بود، اما آن چنان با شمشیر به دشمن حمله می نمود که آنان از چپ و راست می گریختند.

طلیعه قیام کنار مرقد پیامبر

[بعد از امتناع از بیعت] در شب دوم همانند شب پیش، به روضه نبوی آمد و نماز خواند و صحبت هایی فرمودند که از رفتار و گفتار ایشان نکته های زیر قابل بررسی است: جواز توسل به پیامبر (ص) و تربت او، بقای ویژه در قبر برای پیامبران و اولیای الهی، اعلام اهداف قیام، واگذاری امور به پروردگار و رضایت داشتن از او و رسولش.

نکته هایی قطعی در تحلیل قیام امام حسین

۱ - این حرکت دارای دو بعد است: بعد الهی و بعد عادی و طبیعی، و نباید بین این دو خلط کرد. پس با اعتراف به وجود بعد ملکوتی و ویژه در قیام امام (ع) باید نهضت را به گونه ای تفسیر کرد که بتوان از آن به عنوان الگو درس گرفت. چرا که خود فرمود: «ولکم فیّ اسوه».۲ - علم امام (ع) به زمان و مکان شهادت قطعی است و حتی اگر با نگرشی عادی و بدون نظر به علم وسیع امامت به واقعه کربلا بنگریم، آگاهی آن جناب از شهادت مسلم بوده است.۳ - اصل لزوم تشکیل حکومت اسلامی در صورت وجود شرایط، قابل انکار نیست و اقدام برای برقراری حکومت اسلامی قیامی مقدس است.۴ - آنچه از تشکیل حکومت مهم تر است، حفظ حیات دین و زدودن بدعت هاست.۵ - نهضت امام (ع) امر جبری نبود، بلکه ارزش قیام او و همین آزادی و اختیار اوست.۶ - انقلاب امام حسین (ع) را باید در حوادث بعد از رحلت پیامبر (ص) و غصب خلافت ریشه یابی کرد. ریشه عاشورا در «سقیفه» است. عاشورا در واقع تجلی نهایت دشمنی های امویان با اهل بیت عصمت و طهارت بود که با هم دستی همه عوامل پیدا ونهان شکل گرفت.

تیری هم که روز عاشورا بر قلب حسین بن علی (ع) نشست و خون ثارالله را بر زمین ریخت؛ در واقع در روز سقیفه رها شده بود که در روز عاشورا به هدف نشست.

سخن عاشوراییان و زیارت جامعه کبیره

از آن جا که روح واقعه کربلا «ولایت» است و زیارت جامعه کبیره در برگیرنده مسائل مهمی در این زمینه، بعضی از سخنان امام و اهل بیت او در قیام عاشورا و آنچه از ائمه دیگر در این باره آمده با عبارت های زیارت جامعه قابل مقایسه است. و از این جاست که اهمیت مسئله ولایت و ابعاد آن روشن تر می شود.

مرگ در دیدگاه امام حسین و یاران او

نحوه تلقی انسان ها از زندگی و مفهوم «حیات» جهت دهنده عمل و موضع آنان است، در دید عاشوراییان حیات در محدوده تولد تا مرگ خلاصه نمی شود، بلکه امتداد وجودی انسان به دامنه قیامت و ابدیت کشیده می شود. با این حساب، فرزانه کسی است که به سعادت آن دنیا بیندیشد. از همین رهگذر حمایت و یاری دین و اطاعت از ولی خدا،زمینه ساز سعادت ابدی است. شرافت در حمایت از حجت خداست، هر چند به کشته شدن در این راه باشد.۱ - امام (ع) مرگ را زینت بخش حیات انسانی می داند. آن جا که می فرماید:«خط الموت علی ولد آدم خط القلاده علی جید الفتاه». فرزند برادرش نیز مرگ را شیرین تر از عسل می داند: «احلی من العسل».۲ - امام (ع) مرگ را موجب تکامل آدمی می داند. قمر بنی هاشم هم در حماسه خود گفت: «لا ارهب الموت، اذا الموت رقا»؛ از مرگ هراسی ندارم، زیرا مرگ ترقی و کمال است».۳ - آن حضرت مرگ با عزت را سعادت می داند، اصحاب او نیز مرگ در رکاب امام حسین (ع) را شرافت خود می دانستند و چنین می گفتند: «الحمد لله الذی شرفنا بالقتل معک».۴ - امام (ع) تهدید به مرگ را از سوی دشمن بی اثر می دانست. زهیر نیز خطاب به شمر گفت: «من مرگ

در رکاب حسین (ع) را از زندگانی جاوید با شما بهتر می دانم».

شگفتی های قیام

هر چند در این واقعه امور غیر عادی قابل مشهود است، ولی از میان آنها موارد زیر جای تأمل و دقت دارد:۱ - رؤیای صادقه: از آنچه در تاریخ بیان شده، استفاده می شود که به مجرد سرگذاشتن روی قبر پیامبر گرامی (ص) این رؤیای ملکوتی برای او روی داد که رسول خدا او را در آغوش مهر خود گرفت و به سینه چسباند و چشمان وی را بوسید و خبر شهادت مظلومانه اش را داد.۲ - سخنان آن حضرت به محمد حنفیه (هنگام خروج از مکه)؛ نمی دانیم او رسول الله را در چه عالمی دیده که می فرماید: «تو رفتی و رسول الله آمد و دستور خروج از مکه را به من داد و فرمود: خدا می خواهد تو را کشته ببیند».۳ - دگرگونی ناگهانی زهیر که عثمانی رأی بود. و پس از ملاقات با امام علوی شد.۴ - به آسمان پاشیدن خون سه نفر (خون دو نفر و خون پیشانی خود)، و برنگشتن آن خون ها به زمین.۵ - در برخی از زیارات حضرت (ع)، سخن از پیمانی است که با خدا داشته و به آن وفا نموده است. که نمی دانیم این پیمان در چه عالمی بوده است؟در حدیث قدسی آمده است: «.. وجعلت حسیناً خازن وحیی و اکرمته بالشهاده و ختمت له بالسعاده فهو افضل من استشهد وارفع الشهدا درجه وجعلت کلمتی التامه معه وحجتی البالغه عنده، بعترته اثیب واعاقب؛ وحسین (ع) را گنج بان ِوحی خویش قرار داده و او را با شهادت، کرامت بخشیدم و پایانی بس با سعادت برای وی مقرر داشتم،اوست

برترین شهیدان و درجه اش از مه بالا-تر و کلمه تامه خود را همراه او قرار دادم وحجت رسای خویش را نزدش نهادم و به وسیله خاندان او پاداش و کیفر می دهم».

اهداف قیام عاشورا

۱ – اطاعت فرمان خدا و ادای تکلیف: نهضت امام (ع) یک قیام الهی و فرمان پذیری واقعی بود.۲ – خروج برای اصلاح در امت پیامبر (ص) و بیداری توده ها: آن حضرت درسخنانی می فرمایند: «اگر کسی ببیند سلطانی با زور بر مردم حاکم شده، در سایه قدرت خود پیمان خدا را شکسته، با دستورات پیامبر (ص) مخالفت کرده، رفتارش همراه تعدی و ظلم است، اگر کسی دید و کاری نکرد، حق خداست که او را نیز با ستم کار وارد جهنم کند.»بعد می فرمایند: «کسانی که من با آنها مواجهم (بنی امیه)، ملازم اطاعت شیطان شدند،عهد خدا این بود که شیطان را نپرستید؛ عهد خدا را بر عکس کردند. فساد را در جامعه ظاهر کردند، حدود الهی را تعطیل کردند، بیت المال را به خود و دارودسته خود اختصاص دادند، حرام خدا را حلال کردند، من سزاوارترین کسی هستم که باید اینها را تغییر بدهد،پس حرکت من برای اصلاح این موارد است. من به این که دین خدا را یاری کنم و شریعت خدا را عزیز گردانم، اولی هستم».امام حسین (ع) با موقعیت حساس و بی نظیر خود اجتماع آن روز را متوجه اسلام حقیقی فرمود، تا همه بدانند اسلام غیر این وضع، بلکه مقابل آن است، تا مردم گول ستمگران بی دین را که به نام اسلام، اسلام را می کوبند نخورند و بدانند اسلام حقیقی تسلیم پروردگار بودن و منحصراً مطیع خدا و نمایندگان به حق او

بودن است.۳ – اصلاح مفاسد: هدف مهمی که امام (ع) در صحبت های خویش بدان اشاره فرموده اند.۴ – امر به معروف و نهی از منکر: شرایط حاکم بر جامعه در زمان سید الشهدا که احکام قطعی اسلام ترک می شد، حدود الهی تعطیل شده بود، کاندیدای خلافت معروف به شرب خمر بود، ریختن خون مسلمانان به راحتی انجام می شد، نوعی از امر به معروف را می طلبید که مصداق آن جهاد است. در جایی که نه تنها احتمال، بلکه اطمینان و گاهی یقین به ضرر نیز هست، آن گاه که سید الشهدا می فرمایند: «من برای امر به معروف و نهی از منکر خروج کردم». فقط امر به معروف و نهی از منکر اصطلاحی نیست، بلکه به معنای عام تری است که حتی با علم به خطر، آن هم بالاترین خطر سازگار است.۵ – نداشتن تأمین جانی: حتی اگر امام حسین (ع) با یزید بیعت می کرد، باز هم او را می کشتند. معاویه با این که رعایت ظواهر را می کرد، در حضور امام حسن مجتبی (ع) خطیب را می فرستاد تا علی (ع) را سب ّ بکند. در مورد سید الشهدا وضع زمان بدتر بود،اگر بیعت می کرد، باید هم پیاله یزید بشود، آن وقت مگر یزید دست بر می داشت. یزید که محافظه کارتر از معاویه نبود، بلکه در بروز خیانت و شقاوت گستاخ تر بود.۶ – عدم بیعت با یزید.

در آستانه حرکت یاری فرشتگان

طبری شیعی به سند خود از «واقدی» و «زراره بن خلج» نقل می کند که آن دو گفتند: سه شب پیش از خروج امام از مکه با او از سستی مردم عراق سخن گفتیم که دل های آنان با تو و شمشیرهایشان علیه توست، آن جناب

اشاره ای به آسمان نمود،فرشتگان بی شماری نازل شدند. سپس فرمود: «لولا تقارب الاشیاء» و اگر اجر و پاداش ازبین نمی رفت، به وسیله همین ملائکه با آنان می جنگیدم. ولی به یقین می دانم قتلگاه من و یارانم همان سرزمین است و از آنها تنها فرزندم علی نجات می یابد. معنای جمله امام (ع) چیست؟ به راستی چرا سید الشهدا در حادثه کربلا، طریق عادی را اختیار نمودند؟ چه حکمت هایی در این تدبیر الهی نهفته است که نباید از مجرای غیر طبیعی به جنگ دشمن رفت؟ این حکمت ها عبارتند از:الف) انقلاب امام حسین (ع) باید سرمشق افرادی باشد که با عالم غیب در ارتباط نیستند و امام (ع) در این قیام الگوی مناسبی برای شیعیان و مصلحان در طول تاریخ برای مبارزه با ظلم و ستم ترسیم نمودند؛ب) امتحان الهی برای حضرت (ع) و همه افراد بشر، که امتحان باید در شرایط عادی برگزار شود؛ج) مأمور بودن حضرت به سیر بر طریق عادی اسباب و مسببات، که این سیر بدون استمداد از فرشتگان برکات و آثاری دارد و قطعاً مترتب اجر و پاداش فراوان می باشد؛د) اتمام حجت؛ه) رهایی اسلام از شر و مفاسد بنی امیه و آل ابو سفیان.

در سرزمین کربلا و راز مهلت خواستن امام

عصر تاسوعا دشمن به خیمه های حسینی حمله ور شد، امام (ع) توسط برادرش،جناب عباس بن علی (ع) یک شب از دشمن مهلت طلبید. آن چه در باره طلب مهلت می توان گفت، این است:۱ – این فرصت کوتاه برای انسان هایی که قابلیت هدایت را از دست نداده بودند،امکان تجدید نظری به وجود می آورد، چنان که نوشته اند: گروهی از سپاهیان دشمن به امام ملحق شدند. کسانی هم که مستعد بودند به واسطه شنیدن آیات قرآنی

و بر اثر جذب حسین (ع) به حضور ملازمت او مفتخر شدند.۲ – امام (ع) و یارانش از هر فرصتی برای موعظه دشمن استفاده می کردند. و افرادی چون حرّ از خواب غفلت بیدار می شدند.۳ – وصیت امام (ع) به اهل بیت یکی از اسرار طلب مهلت است. مسلم این که وصیتی معمولی نبوده، بلکه بقای قیام با همین وصیت تضمین می شد.۴ – علت دیگر خواندن نماز و قرائت قرآن و دعا و راز و نیاز است. به عبارت دیگر آماده شدن برای لقای پروردگار.۵ – اجازه بازگشت و اذن انصراف و تفسیر زیبایی یاران.در باره برداشتن بیعت از ذمّه اصحاب و اذن انصراف نکته هایی قابل توجه است:الف) سفر، سفر شهادت است، پس نه زیارت و نه مال دنیا مطرح است و عاشقان شهادت دعوت می شوند.ب) در رفع بیعت که پس از شهادت مسلم و هانی صورت گرفت، عده ای جدا شدند.ج) در شب عاشورا نیز فرمود: «شب را شتر راهوار خود قرار دهید و مرا تنها گذارید». در قضیه کربلا که جهات مختلفی برای بروز معجزه جمع بود، چه اصحاب آن حضرت، مستعد کمال و ترقی بودند و چشمشان بینا بود و تمام اعمال و اقوال حسین (ع) را معجزه می دیدند، ابراز وفاداری نمودند و در بعضی موارد آن حضرت برای آنان اظهاراتی می کرد، مانند نشان دادن منازلشان در شب عاشورا.د) در شب عاشورا برای اصحاب امکان گریز از معرکه وجود داشته و حتی به نقلی حضرت راه فرار را هم به «نافع بن هلال» نشان دادند، اما یاران با وفای حسین (ع) تن به ذلت و خواری ندادند و حاضر نشدند امامشان را تنها بگذارند.

عاشورای حسین یا نمایش حقایق اسلام

عاشورا، نه یک حادثه، که یک فرهنگ است؛ فرهنگی برخاسته از متن اسلام ناب که نقش حیاتی را در استحکام ریشه ها، رویش شاخه ها و رشد بار و برهای آن ایفا کرد.نخستین واحد در جنگ سرد، ایجاد هیجان و اولین عامل اصلی تهیه کردن یک ماده قوی و مؤثر است، باید ماده ای تهیه شود که با تبلیغ کردن هیجان قلبی مبدل به طوفان گردد. و این امام حسین (ع) است که باید با فداکاری پرشکوه این ماده را تهیه کند و به دست بازماندگان خویش بسپرد. آن ماده چه بود؟ ماده شهادت، مظلومیت،محرومیت، غربت، عطش، و این تنها ماده ای است که جامعه مرگ زده را تکان می دهد.برای تهیه این ماده باید از مکه به سوی کربلا روان شد.لذا امام حسین (ع) نقشه دیگری طرح کرد، نقشه ای فوق العاده عالی و بسیار گران. نقشه امام حسین (ع) بر اساسی بود که دنیا حتی نظیر آن را هم به خود ندیده است،تمام عظمتی را که داستان کربلا به خود گرفته و هر تقدیس و تقدیمی که نسبت به آستان مقدس حسینی انجام می گیرد، همه و همه مولود عظمت و بی نظیر بودن اساس آن نقشه است.کاری که امام حسین (ع) کرد، شوکی در جامعه اسلامی به وجود آورد که تا قیام قیامت اثر خود را خواهد داشت. اقدامی که نمی توان آن را تحریف کرد، نمی شود تفسیر غلطی برای آن آورد؛ جز این که گروهی عاشق در راه خدا و برای احیای دین، جان خود را و عزیزانشان را فدا کردند؟ این گونه بود که حسین (ع) مصباح الهدی شد و این شوک جامعه را تکان داد. و این چراغ

فروزانی است که هرگز خاموش نمی شود. روز عاشورایی که در صفحه تاریخ اهمیت یافت، روز خلاصی اسلام از چنگال بی رحمانه بنی امیه است.عاشورا روز تجدید دولت اسلام است. عاشورا، روزی است که بزرگ ترین ارواح، بالاترین نمایش اخلاقی را داد. عاشورا روز گشایش دانشگاه برای تعلیم صفات انسانیت و فضایل اخلاقی است. عاشورا روز انقلاب خونین اسلام است که نام فتح اسلام را با خون بر صفحه تاریخ طبیعت نوشته است.در این انتخاب صحیح، آن گاه که لشگر نور و ظلمت در مقابل یک دیگر قرارگرفتند، فرشتگان از حضرت رخصت طلبیدند تا او را در پیروزی بر دشمن کمک کنند. اما امام (ع) بین پیروزی و لقاء الله، دیدار پروردگارشان را برگزید.شاها! من ار به عرش رسانم سریر فضل مملوک این جنابم و محتاج این درم گر بر کنم دل از تو و بردارم از تو مهر این مهر برکه افکنم؟ این دل کجا برم؟

تدابیر نظامی حضرت

چون امام (ع) وقوع جنگ را حتمی می دید، برای مقابله با هجوم دشمن تصمیماتی اتخاذ فرمود:۱ - محلی را برای نبرد برگزید که پشت سپاه حضرت به نی زار و باتلاق باشد، تا ازیک جبهه بیشتر با دشمن رو به رو نشود.۲ - دستور فرمودند، در گرد خیمه ها خندقی حفر کنند و آن را پر از هیزم کرده و هنگام کارزار آتش زنند به دو دلیل: الف) امنیت اهل بیت؛ ب) روبه رو شدن با دشمن از یک جبهه.۳ - نزدیک کردن خیمه ها و اتصال آنها به یک دیگر، به گونه ای که دشمن نتواند بین خیمه ها رسوخ کند.

خطبه امام در روز عاشورا

امام (ع) پس از موعظه فرمود: «اگر مواعظ مرا نپذیرفتید و از راه انصاف در نیامدید، همگی دست به دست یک دیگر دهید و هر تصمیمی و اندیشه باطلی که دارید،در مورد من عمل کنید» پیداست که کارکنان و عمال صحنه، منحصر به عمر سعد و یا ابن زیاد نبودند، بلکه گروهی به رهبری یزید مرتکب این گناه شدند که می توان آنها را «حزب الظالمین» نامید و «عقیله کبری» در خطبه شام از آنان به «حزب الشیطان الطلقا» تعبیر می کند.سپس فرمود: «مرا بشناسید، سپس به خود مراجعه کنید، بنگرید که رواست مرا به قتل برسانید و حرمت مرا از بین ببرید؟ مگر من فرزند پیامبر (ص) شما نیستم؟ و پدرم نخستین ایمان آورنده به خدا و رسول او نبود؟... آیا نشنیده اید که رسول الله در باره من و برادرم فرمود: «اینان دو سید جوانان بهشتند؟»... وای بر شما! مگر من کسی از شما را کشته ام و یا مالی را برده ام؟».«... این ناپاک و ناپاک زاده، مرا بین دو کار مخیر

کرده، یا شمشیر را برگزینم و کشته شوم و یا تن زیر بار ذلت بدهم، اما هیهات منّا الذلّه.. من با این جمعیت اندک و اهل بیت خود با شما جنگ خواهم کرد».امام (ع) اتمام حجت کرد و مردم را پند و اندرز داد. اما دل تیره و سخت آنها که چون سنگ خارا بود، از نصایح او بهره مند نشد و باران رحمت او در آن شوره زار، جز خار و خاشاک محصولی نداد.عمر سعد در بامداد عاشورا تیری به طرف یاران اردوگاه حسین (ع) پرتاب کرد وگفت: «گواه باشید که نخستین تیر را من رها کردم». آن گاه سپاهیان از او پیروی کردند.در این هنگام امام (ع) به یاران خویش فرمود: «قوموا رحمکم الله الی الموت الذی لابدمنه، فان هذه السهام رسل القوه الیکم»؛ رحمت خدای بر شما باد! قیام کنید به سوی مرگی که چاره و فراری از آن نیست، این تیرها پیام آوران لشکر برای شما هستند».

ویژگی های نماز امام حسین در روز عاشورا

جمیع ائمه نماز اقامه کردند؛ آن گونه که در زیارت جامعه است. لکن از برای آن حضرت خصوصیتی است در اقامه صلاه، که در آن روز چهار قسم نماز به جا می آورد:اول - وداع نماز شب، که از قوم مهلت خواست آن شب را به جهت آن؛دوم - نماز ظهر بود، که در آن روز به طریق نماز خوف به جای آورد. به نحو خاصی که غیر از «ذات الرقاع» و «بطن النحله» است و نماز آن حضرت قصر بود، لکن برای بعضی اصحابش «قصر القصر» بود، که در بین نماز شهید شدند در پیش روی آن حضرت؛سوم - روح صلاه از افعال و اقوال و کیفیات آن، چنان

که در کتاب صلاه مبین است؛چهارم - آن نماز مخصوصی بود، به تکبیر و قرائت و قیام و رکوع و سجود و تشهد و سلام مخصوصی. پس احرامش آن وقتی بود که از روی زین بر زمین افتاد، و قیامش آن بود که به پا ایستاد، و رکوعش آن بود که خم خم راه می رفت و گاهی به رو، می افتاد؛ و قنوتش دعایی بود که در آن حال می خواند: «اللهم متعالی المکان، عظیم الجبروت،شدید المحال، غنیاً عن الخلائق، عریض الکبریاء، قادراً علی ما تشاء، قریب الرحمه صادق الوعد، سابغ النعمه، حسن البلاء، قریب اذا دعیت، محیط بما خلقت، قابل التوبه لمن تاب الیک قادر علی ما اردت ومدرک ما طلبت، شکور اذا شکرت و ذکور اذا ذکرت،ادعوک محتاجاً وارغب الیک فقیراً وافزع الیک خائفاً وابکی الیک مکروباً و استعین بک ضعیفاً و اتوکل علیک کافیاً، احکم بیننا و بین قومنا فانهم غدونا و خدعونا و خذلونا و غدروا بنا و قتلونا و نحن عتره نبیک وولد حبیبک «صلی الله علیه وآله» الذی اصطفیته بالرساله و ائتمنته علی وحیک، فاجعل لنا من امرنا فرجاً ومخرجاً، برحمتک یا ارحم الراحمین». و سجودش آن وقت بود که پیشانی مبارک بر خاک نهاد و تشهد و سلامش مفارقت روح مبارکش بود از جسد، و بلند شدنش ارتفاع بر سر نیزه بود، و تعقیبش اذکار و آیات سوره کهف بود که بر سر نیزه تلاوت می نمود.

پنجه خونین

سپاه کوفه، فتحی را که بر پیشانی آن داغ ننگ کوفته شده بود، به دست آورد.گرگان گرسنه لشکر ابن سعد به غارت و تاراج خیمه های حرم حسین (ع) دست گشودند،حرمت عزیزان رسول خدا را شکستند، پشت و

سینه بچه ها و زن های مصیبت زده را به کعب نیزه آزردند، با دست تطاول مقنعه از سر و گوشواره از گوش بانوان حرم حسین (ع) و دختر بچگان معصوم و بی پناه کشیدند. فرش و بستر بیمار کربلا را ربودند و آن جسم نازنین تب آلود را بر روی خاک در افکندند، خیمه ها را آتش زدند و ساکنان وحشت زده آن را در دل صحرا پراکندند، هر چه بود غارت کردند، و هر چه ممکن می شد، توحش و سبعیّت نشان دادند.غارت خیمه های حسینی پس از شهادت آن حضرت قطعی است؛ زیرا علاوه برتصریح مورخین در کلمات اهل بیت نیز بیان شده است. در کلمات حضرت زینب (س)، فاطمه بنت الحسین در خطبه کوفه، ام کلثوم در خطبه کوفه، امام سجاد (ع) درخطبه کوفه.

نقش زنان در نهضت عاشورا

نقش بانوان در تشویق و ترغیب رزمندگان

به عنوان مثال:۱ - وقتی زهیر به دعوت امام (ع) پاسخ مثبت نداد، همسرش بر او شورید و گفت:«سبحان الله! (چگونه) فرزند پیامبر (ص) تو را می خواند، ولی جواب مثبت نمی دهی؟»۲ - زنی که شوهرش در کربلا شهید شده، ولی به فرزندش سفارش می کند که همراه فرزند رسول الله مبارزه کن و هنگامی که او می خواهد از میدان بر گردد، می گوید:«ای فرزندم! آیا سلامت خودت را بر یاری فرزند پیامبر (ص) ترجیح می دهی؟!»

نقش زنان در جنگ و حمله به دشمن

۱ - یکی از زنان که در کربلا حضور داشت، هنگامی که فرزندش در جنگ شهید شد، به او آفرین گفت و سر او را به طرف دشمن پرتاپ کرد و چوب خیمه ای را برداشت و به دشمن حمله کرد.۲ - مادر وهب که در روز عاشورا عمود خیمه را برداشت و به کمک شوهرش به میدان مبارزه رفت، که امام (ع) او را منع کرد.

نقش زینب در پرستاری افراد

۱ - زینب کودکان را نگه داری می کرد و آن ها را از صحنه جنگ دور می کرد.۲ - بعد از اسارت، زینب مادر تمام اسیران بود و غم خواری آن ها را بر عهده داشت.

رساندن پیام عاشورا به جهانیان

بانوان حاضر در صحنه عاشورا و صحنه های پس از آن، پیام این قیام را به گوش جهانیان رساندند.۱ - در مجلس ابن زیاد هنگامی که از حضرت زینب (س) سؤال کرد، این که خدا برادرت را کشت چگونه دیدی؟ زینب (س) فرمود: «هر چه دیدم، زیبا بود».۲ - زینب ۳ در کوفه سخنرانی کرد، به طوری که این سخنرانی ها مؤثر بود و مردم کوفه را گریاند.۳ - زینب ۳ در شام جواب یزید را با شجاعت داد، با شهامت کامل خودش را دختر پیامبر (ص) و یزید را آزاد شده خواند.

مخالفت با گناهکاری شوهر

«کندی» لباسی را از امام (ع) به غارت برد، در خانه مشغول شستن خون های آن شد، همسر او که فردی با ایمان و دوستدار

آل رسول بود، با شدت با او مخالفت کرد و گفت:«آیا این را از پسر فاطمه(س) غارت کرده ای و داخل خانه من شده ای؟» او شوهر خویش را از خانه خویش راند و او را نفرین کرد و آن مرد با حالت فقر و ناراحتی ادامه حیات داد.

کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا

از درس هـای مهم عاشورا، شـناخت تکلیف دفاع از حق و مبارزه با باطل و سـتم در هر مکان و زمان است. حقیقتی که از متن دین و روح عـاشورایی بر می آیـد و شـعاری است که نشان دهنـده تـداوم و پیوسـتگی خط درگیری حق و باطل در همه جا و همیشه که عـاشورای سال ۶۱ یکی از بـارزترین حلقـه هـای این زنجیره طولا۔نی است و الهـامی که همه مبـارزان راه آزادی از کربلا گرفته انـد و قیام های عـدالت خواهانه و احیاگرانه ای که در تاریخ اسـلام موجود بوده، حلقه های دیگری از این مبارزه است. در انقلاب اسـلامی ایران نیزاتصال به نهضت عاشورا منبع حرکت آفرینی و الهام شـد. امام خمینی (ره) در باره این پیوند در سـال هـای دفاع مقـدس فرمود: «امروز، روز عاشورای حسـینی است، امروز ایران کربلاست، حسـینیان آماده باشـید».بعضـی توجیهی عارفـانه برای جمله بالا۔ دارنـد، بـا این بیان که: سرّ عشق در همه موجودات ساری و جاری است و کربلا مکان تجلی اعظم عشق و عـاشورا نیز زمـان آن تجلی است. پس کربلا۔ در تمام قطعات زمین و عاشورا در تمام زمان ها جلوه کرده است و اوج این تجلی، هنگامی است که برای سالک جذبه و استغراق

و تجرد و شوری روی دهد که آن جا کربلا و آن زمان عاشوراست.

زیارت امام حسین

صالح بن عقبه و سیف بن عمیده گویند: علقمه بن محمد حضرمی می گوید: به حضرت ابا جعفر (ع) عرض کردم: «دعایی به من بیاموزید که آن را در این روز (عاشورا) بخوانم، آن گاه که حضرتش را از نزدیک زیارت می کنم و نیز دعایی (بیاموزید، که هرگاه حضرتش را از نزدیک زیارت نکردم، آن را بخوانم و از سر زمین های دور و از خانـدانم بـدان زیارت کنم (و به سوی ایشان) اشاره کنم.» گوید: پس حضرتش به من فرمود: «ای علقمه! هرگاه تو دو رکعت نماز خواندی، بعد به سوی حضرتش سلام کن. پس در هنگام اشاره به سوی حضرتش بعد از تکبیر این سخن را بگو: السلام علیك یا ابا عبد الله، السلام علیک یابن رسول الله، السلام علیک یابن امیر المؤمنین وابن سید الوصیین، السلام علیك یابن فاطمه سیده نساء العالمین، السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور، السلام علیك وعلی الارواح التی حلّت بفنائک، علیکم منّی جمیعاً سلام الله ابداً، ما بقیت وبقی اللیل والنهار، یا ابا عبد الله!..؛ سلام بر تو ای پدر بندگان خدا و سلام بر تو ای فرزند پیامبر (ص)، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و سرور اوصیا، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور زنان جهان هستی، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا و یگانه روزگار. سلام بر تو و جان های پاکی که در آستانه عشق تو فرود آمده و هستی خود را نثار تو ساختند،سلام الهی! بر تمامی شما در هماره زمان، تا هنگامی که من زنده ام و روز و شب

پایداراست و جهان هستی باقی است؛ ای پدر بندگان خدا!...پس همانا اگر تو این سخن را گفتی، پس به تحقیق تو به همان چیزی خوانده ای که دیگر زائرانش از ملائکه می خوانند. خدا برای تو یک صد هزار هزار درجه را می نویسد و تو بسان کسانی خواهی بود که با حضرت حسین (ع) شهید شده اند تا این که تو در درجات ایشان با آنها شریک خواهی بود. و پس (این مقام را) جز در شهدایی که با حضرتش شهید شده اند، در دیگران نخواهی شناخت. و برایت ثواب زیارت تمامی رسولان و (ثواب) پیامبران و (ثواب) زیارت تمامی کسانی که از روز شهادت حضرتش (ع) حضرت حسین (ع) را زیارت کرده اند، نوشته خواهد شد، که سلام بر او و بر اهل بیتش».علقمه گوید که حضرت ابا جعفر (ع) فرمود: «اگر بتوانی هر روز به این زیارت ازخانه ات، آن حضرت را زیارت کنی، این کار را انجام ده که برای تو جمیع ثواب ها خواهد بود».و به حقیقت این گونه است که سینه ما تکیه ای قدیمی شده که درب آن با کلید «یاحسین (ع)» باز می شود و زمین آن با اشک مژگان، آب و جارو می شود؛ آن گاه که جرعه جرعه زیارت عاشورا می نوشیم و می سوزیم.و دردا؛ که فرزندان پیغمبر مصطفی (ص) آن دردانه و ناز پرورده های خاندان وحی،با دیدن آن منظره دهشت بار در صحرای گداخته و سوزنده و تفتیده نینوا، بر کنار کشته سالار شهیدان و نوگلان پرپر شده بوستان احمدی، در میان خیمه های نیم سوخته خامس آل عبا، آتش غم در قلبشان زبانه کشید و از دیده اشک غم باریدند، و در سینه آه و درد انداختند.

به نـاله آنان قدسـیان ناله سـر دادنـد، عرش نشـینان سوگوار شدنـد و جملگی کائنات به غم نشسـتند که ناله هایشان تا به امروز ادامه دارد.باشـد که نـدای «این الطـالب بـدم المقتول بکربلا» در پهنه گیتی طنین افکنـد و صـدای یـا لثـارات الحسـین (ع) در سرتاسـر زمین صـفیر بر کشد و یگانه خونخواه و تسـلابخش شـراره های قلب مام گرامی اش به پاخیزد و جملگی قاتلان و هم پیمانان بر قتلش و خشنودان از شهادتش را قصاص نماید. «السلام علی اسیر الکربات و قتیل العبرات».

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹